

جشن اساطیری تیرگان در فرهنگ محلی مردم کتالم

دکتر نسرین کریم پور *

دکتر سیدهاشم موسوی **

چکیده

جشن‌ها و آیین‌های محلی صورت‌های عملی اندیشه‌های قومی و اسطوره‌های یک سرزمین هستند. در بستر زمان و مکان، اساطیر در زیرساخت به حیات خود ادامه می‌دهند و روساخت‌ها به اشکال گوناگون، در تطبیق با صور مادی و معنوی دوره‌ها و مناطق بن‌مایه‌های اساطیری خود را بازتولید می‌کنند. در طی گذشت ادوار جشن‌های باستانی و اساطیری با تبدیل شدن به جشن‌های محلی به حیات خود ادامه داده‌اند. این جشن‌ها با حفظ مشترکات بنیادی و انتقال بن‌مایه‌های اسطوره‌ای خود به ادوار بعد، عناصر مادی و معنوی زندگی مردمان نواحی و خرده فرهنگ‌های آنان را نیز دریافت کرده و باز می‌نمایانند. جشن تیرگان از جمله جشن‌های اساطیری - ملی است که امروزه با تبدیل شدن به جشن محلی، امکان حیات یافته است. همچنین با پذیرفتن ویژگی‌های محلی مناطق مختلف، اطلاعات ذی‌قیمتی از نوع و شرایط زندگی مردمان نواحی گوناگون و فرهنگ حاکم بر آن سامان به دست پژوهندگان می‌دهد. در مقاله حاضر، نمود محلی این جشن در منطقه کتالم رامسر مورد بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: اجرای محلی، اساطیر ملی، اسطوره، تیرمه سبزه شو، فرهنگ محلی، کتالم

* دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان. رایانامه: Nasrin_karimpoor@yahoo.com

** استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه گیلان

مقدمه

از دیر باز جشن‌ها با ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و اعتقادی مندرج در آنها مورد توجه و امعان نظر انسان‌شناسان قرار داشته‌اند. فراگیر بودن عنصر مشترک جشن و شادی در میان همه جوامع و فرهنگ‌ها از یک سو و تفاوت‌ها و ویژگی‌های منحصر به فرد اجرای آنها در بسترهای اجتماعی و فرهنگی گوناگون از سوی دیگر، تعمق مردم‌شناختی و تأملات ژرف‌انگر انسان‌شناسان را در پی داشته است. رده‌بندی جشن‌ها به انواعی چون باستانی، اسطوره‌ای، فصلی، دینی، ملی، محلی، خانوادگی و... نیز بر رویکردهای مردم‌شناختی بدین موضوع تأکید می‌نماید. آنچه در این میان از ارزش انسان‌شناختی مضاعفی برخوردار است، اختلاط و ادغام انواع این جشن‌ها با هم و ایجاد معنا و کارکردی تازه و تأثیر آنها در زندگی مردمان است که به نوعی موجبات زنده ماندن جشن‌های کهن و آیین‌ها و مناسک آنها را فراهم آورده است.

پویش جشن‌های اساطیری باستان در سیمای جشن‌های محلی امروزی دست‌مایه مقاله حاضر گردید تا با نگاهی انسان‌شناختی، یکی از جشن‌های باستانی ایران - جشن تیرگان - که تا روزگار حاضر زنده مانده است، در قالب یکی از صور اجرای محلی آن مورد بررسی قرار گیرد. قصد بر این است تا نشان داده شود که چگونه جشنی باستانی و اسطوره‌ای با دور شدن از روزگار پیدایش خود، اکنون با گرفتن رنگ و بوی محلی با خرده فرهنگ موجود در یک ناحیه همسو شده و با نوع زندگی مردمان آن تطبیق یافته است. بدین منظور جشن باستانی تیرگان با نام «تیرمه سیزه شو» در منطقه کتالم شهرستان رامسر در غرب استان مازندران مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. این انتخاب بدان سبب است که در این منطقه روایت محلی تازه‌ای به جای بن‌مایه اساطیری جشن تیرگان مبنای این جشن قرار گرفته و همچنین صورت اجرای آن با مناطق شرقی مازندران متفاوت بوده، شباهت معناداری با اجرای جشن تیرگان در مناطق شرقی استان گیلان دارد.

«بررسی در زمانی جشن تیرگان ما را به سوی نخستین صورت‌های مکتوب آن در کتاب‌های گذشتگان باز می‌برد. حال آن که بررسی هم‌زمانی آیین یاد شده بی‌شک با

جشن اساطیری تیرگان در فرهنگ محلی مردم کنالم ❖ ۱۰۷

شناخت فرهنگ عامه مردم ایران و جلوه‌های امروزی آن همراه است.» (اشرفزاده، ۱۳۸۹: ۱۰۷)

درباره جشن تیرگان و دلایل پیدایش آن مقالات و کتاب‌های با ارزشی به نگارش در آمده است. از جمله این آثار می‌توان به مقالات مفصل دکتر اسماعیل پور، هویان آندرانیک، رضا اشرفزاده و کتاب‌های ارزشمند دکتر رجبی، دکتر بهار، دکتر فره‌وشی و دکتر روح‌الامینی اشاره کرد. از کتب قدما نیز در آثار ابوریحان بیرونی، گردیزی و همچنین در اوستا و بندهشن و برهان قاطع توضیحاتی در باب این جشن آمده است. آثار بسیار دیگری نیز وجود دارند که به صورت موجز یا غیر مستقیم به این جشن پرداخته‌اند. نتیجه آن که منشاء پیدایش این جشن دو دلیل عمده زیر بوده است:

۱. ستایش تشتر، ایزد آب و باران، در روز تیر از ماه تیر و پیروزی این فرشته بر اپوش، دیو خشکسالی (هینلز، ۱۳۸۲: ۳۶) و ارزش آب در نزد ایرانیان. (رجبی، ۱۳۷۵: ۶۵-۷۸)

۲. حماسه آرش کمانگیر و تیراندازی وی در روز سیزده تیرماه جهت تعیین مرز ایران و توران. (گردیزی، ۱۳۶۳: ۵۱۸ و بیرونی، ۱۳۵۷: ۲۵۴)

در ایران باستان هر روز ماه نامی و فرشته‌ای نگهبان به همان نام داشته است و ایرانیان کهن، روزی را که با نام ماه یکی می‌شد، جشن می‌گرفته‌اند. روز سیزدهم هر ماه، تیر نام داشته و متعلق به ایزد تشتر بوده است. (روح‌الامینی، ۱۳۷۶: ۲۱ و ۲۲). بنابراین در روز سیزدهم تیرماه متناسب با دلایل فوق، جشن اساطیری - ملی تیرگان برگزار می‌گردید. از میان جشن‌های دوازده‌گانه، این جشن تا روزگار حاضر ادامه یافته و به صورت‌های گوناگون محلی بخصوص در استان‌های شمالی اجرا می‌شود.

این مقاله یکی از صورت‌های محلی این جشن را با رویکردی مردم‌شناختی - تحلیلی با روش مصاحبه و اسنادی مورد بررسی قرار می‌دهد.

۱۰۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

جشن تیرگان در روستاهای کتالم

دکتر روح‌الامینی در کتاب ارزشمند «آیین‌ها و جشن‌های کهن در ایران امروز» به‌طور مفصل به برگزاری جشن تیرگان در مازندران پرداخته (همان: ۱۱۲-۱۰۸) و به زمان اجرای آن در شب سیزدهم تیر ماه (همان: ۱۰۸ و اسماعیل‌پور، ۱۳۸۱: ۷۸) اشاره کرده است.

این جشن که در مازندران به نوروژ طبری نیز معروف است، با آداب و رسوم خاص و تدارکات مفصلی همراه بوده است.

در روستاهای کتالم، این جشن که به زبان محلی «تیر مه سیزه شو» نامیده می‌شود، درست در شب سیزدهم تیرماه برگزار می‌گردد. کیفیت اجرای این جشن با تفاوت‌های چندی نسبت به دیگر مناطق این استان و آنچه اسناد نقل کرده‌اند، همراه است.

در شب سیزده تیرماه، همه اهالی روستا و علاقه‌مندان پس از شام در منزل بزرگ روستا جمع می‌شوند. این همنشینی بدون اعلام و دعوت رسمی و یا تدارک مفصل و تهیه خوراکی‌های مخصوص این شب، انجام می‌شود. حداکثر پذیرایی در حد معمول مهمانی‌های ساده است.

شروع جشن پس از جمع شدن مهمانان با آوردن آب آغاز می‌شود. دو پسر بزرگ و کوچک خانه با یکدیگر خارج می‌شوند و با ظرفی به نام ادشی (edeši) برای جشن آب می‌آورند. این ظرف از جنس مس است و در شکل ظاهری سری تنگ دارد، به طوری که تنها دست وارد آن می‌شود و داخل آن دیده نمی‌شود. انتخاب این ظرف برای جلوگیری از تقلب بود. ادشی ظرف مخصوصی برای این جشن نیست، بلکه کاربرد فراوانی در زندگی روزمره مردم منطقه دارد. (برای حمل آب، شیر، ماست، دوغ و گرم کردن مایعات و...)

برادر بزرگ‌تر پس از پر کردن ظرف از آب، آن را به دست برادر کوچک‌تر داده و او را بر پشت خود سوار می‌کند و به سمت خانه می‌آورد. در بین راه سخنی بین برادران رد و بدل نمی‌شود. این اعمال به دلیل احترام به آب صورت می‌گیرد. پشت در اتاق مهمانی، برادر بزرگ‌تر ابیاتی را به زبان محلی از زبان آب می‌خواند:

جشن اساطیری تیرگان در فرهنگ محلی مردم کنالم ❖ ۱۰۹

âb bugu tuyâymo kuy lâr mi âyam آب بوگوتو یای مو کوی لار می آیم

yaksar daryâ, sad sar kuhâ mi âyam یکسر دریا، صد سر کوه‌ها می آیم

هزار لت لته، سنگ سر، مقام مقام می شویم

hazâr lat late, sangasar, moqâmmoqam mi uyem

سوال یک ساله را امشب تو را می گویم

su?âl yak sâla râ am abu râ mi guyam

ترجمه: آب گفت من از کوه لار می آیم. یک سرم به سمت دریا و صد سرم (سرچشمه‌ام) از کوه‌هاست. هر لحظه هزار چوب و تخته را روی سنگ‌ها می شویم.

ماجرای یک سال را به تو امشب جواب می دهم.

با صدای مهمانان که بیت ذیل را می خوانند، برادران وارد اتاق شده و ظرف آب را داخل سینی‌ای که وسط اتاق قرار دارد، می گذارند. ظرف آب جهت احترام به آب، مستقیماً بر روی زمین قرار نمی گیرد.

تیرمه بوگوتو می سیزده ایندی چرا سنگین

tir ma bugutu mi sizda indi arâ sangina

هر کس می سیزده را آب بیارده خومره اولین آخرین

harkas mi sizda râ âb biyârda xumara avaline âxarina

angu tar danemâ tal avi naqina انگشتر دنما طلاوی نقین

behe t râ benin e jâye nâzanin بهشت را بنین چه جای نازنین

ترجمه: ماه تیر گفت که سیزده من چرا این قدر سنگین است. هرکه برای سیزده من آب آورده برای خودش شخصیتی اولین و آخرین است (بسیار مهم و تک است) انگشتر چه طلا باشد چه نگین دار باشد می اندازم. بهشت را ببین چه مکان دلخواه و عزیزی است.

مهمانان برای گرفتن فال با هر نیتی که در دل دارند انگشتر، سنجاق و یا کلیدی در داخل ظرف آب می اندازند و یکی از افراد، دست داخل ظرف برده و آن را هم می زند. در این لحظه همه ساکتند. سپس مهمانان هر یک شعری را جمع می خوانند. در هنگام خوانده شدن شعر، ظرف هم زده نمی شود بلکه با پایان گرفتن هر شعر، دست داخل

۱۱۰ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

ظرف شده یکی از وسایل را در می‌آورد. صاحب آن وسیله متناسب با شعر خوانده شده فال خود را می‌یابد. این کار با سر به سر صاحبان فال و فالگیرندگان گذاشتن و شوخی با آنان تا تمام شدن هرچه در ظرف است، ادامه دارد.

در پایان مراسم، آب ظرف برای شب چهاردهم نگه داشته می‌شود و فال‌گیری شب بعد هم انجام می‌گیرد. پس از پایان جشن شب سیزدهم، پنج جوان پس از نیمه شب جمع شده و مراسمی به نام «لال شوش» را اجرا می‌کنند. آنان با گفتن سخنان نامفهوم با چوب وارد خانه بیماران محل می‌شوند و به آرامی به بیمار ضربه می‌زنند. اعتقاد بر این است که با این عمل، بیمار زودتر بهبود می‌یابد. صاحب‌خانه نیز برای تشکر به جوانان تخم مرغ می‌دهد. در صورت نبودن بیمار، این گروه داخل طویله‌ها شده به آرامی حیوانات را می‌زده‌اند تا برکت صاحب‌خانه زیاد شود. در شب چهاردهم، بیشتر، جوان‌ترها به هنگام شب، مخفیانه به پشت در خانه دیگران می‌روند و پای خود را بین وسیله‌ای به نام ماشه (انبر) قرار می‌دهند و انگشت در گوش کرده نیت می‌کنند و به محض بیرون کردن انگشتان، اولین سخنی که از داخل خانه شنیده‌اند، جواب فال خود را می‌گیرند.

آبی که در این دو شب مورد استفاده قرار گرفته است نیز روز بعد به جهت تبرک، بر روی گاو و گوسفندان و یا مزارع و باغ‌ها پاشیده می‌شود.

دلایل برگزاری تیرمه سبزه شو

دو علت اسطوره‌ای برگزاری جشن تیرگان در میان اهالی روستاهای کنالم تقریباً ناشناخته است. باورداشت کهن احترام به آب و ارزش آن برای ایرانیان به صورت امری فطری و بدیهی، از سوی اهالی در این جشن رعایت می‌شود و آنان بدون آگاهی از یکی شدن نام روز و ماه و اطلاع از اسطوره نبرد تشتر و اپوش، این روز را جشن می‌گیرند.

اسطوره آرش کمانگیر نیز در نزد کتالمیان تغییر یافته و از صورت اسطوره‌ای به شکل روایتی محلی در آمده است. به اعتقاد آنان در روزگاران قدیم، آرش شخصی

جشن اساطیری تیرگان در فرهنگ محلی مردم کتالم ❖ ۱۱۱

پاکدین، مورد وثوق و ماهر در تیراندازی بوده است. از آنجا که اهالی روستا برسر مرز مراتع و باغات اختلاف داشته‌اند، از آرش درخواست کرده‌اند تا با تیر خود حدود را مشخص و اختلافات را حل کند. تیراندازی آرش و تعیین مرزها در روز سیزده تیرماه انجام شده و مردم روستا از آن پس تا کنون این روز را جشن گرفته‌اند.

دلیل دیگری که اهالی منطقه برای برگزاری این جشن نقل می‌کنند، داستانی در باره عاشقی به نام امیر است. او شاعری از اهالی روستای پازوار مازندران و عاشق دختری به نام گوهر بود و در شب سیزده تیرماه از وی خواستگاری کرده است. اما با آنکه دختر نیز عاشق وی بوده، خانواده او را به دیگری داده‌اند. امیر نذر می‌کند در صورت رسیدن به معشوق، شعر بسراید. سرانجام گوهر از همسرش جدا شده و با امیر ازدواج می‌کند. امیر نیز به نذرش ادا می‌نماید و شعرهای زیادی می‌سراید. این اشعار سینه به سینه تا امروز نقل می‌شوند و اهالی امروز کتالم، اشعار امیر پازواری^۱ را هنگام جشن و فال‌گیری شب سیزده تیرماه می‌خوانند. اکثر اشعار نیز با عبارت «امیره بوگویوتا» شروع می‌شوند.

تحلیل تفاوت‌ها و تفسیر شباهت‌ها

به طور مشخص یکی از تفاوت‌های اصلی میان جشن تیرگان در مازندران و جشن تیرمه سیزده شو در روستاهای کتالم، زمان برگزاری آن است. عدم استفاده اهالی کتالم از گاه‌شماری فرس قدیم مازندران که در آن تیرماه یا ماه آبان در تقویم امروز ایران مطابق است و همچنین تغییر روایت‌ها و به فراموشی سپرده شدن اسطوره‌های مبنای جشن از سوی آنان، تنها دلایل اختلاف ظاهری این امراند. تفاوت دیگر در نوع برگزاری جشن است. برخلاف کتالم، در دیگر مناطق استان مازندران این جشن با آداب و تدارکات مفصلی همراه است: از انواع خوردنی‌های مخصوص و ویژه‌ای که براساس عقاید اسطوره‌ای آماده می‌شود (رسم تهیه خوراکی بخصوص گندم و میوه پخته آنچنان که بیرونی نقل کرده است، به داستان اساطیری نبرد منوچهر با افراسیاب و سختی‌های

۱. شعرهای امیر مازندرانی یا امیر پازواری به زبان طبری است.

۱۱۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

تهیه خوراک در تنگنای جنگ بازمی‌گردد. (روح‌الامینی، ۱۳۷۶: ۱۰۱)، مراسم آب‌پاشان و غسل و شست‌وشو در آب روان (رسم آب‌پاشان به نقل از بیرونی به جهت شکرانه بارش باران پس از دوره طولانی خشکسالی بوده است (آثار الباقیه: ۳۳۱) و رسم شست‌وشو در آب روان نیز نمادی است از اسطوره مدهوشی کیخسرو از دیدن سروش در کنار چشمه و آب پاشیدن به صورت پادشاه توسط بیژن (همان: ۳۳۶)). اما در کتالم از حضور فعال جوانان و کودکان در اجرای مناسک جشن و همچنین رسم شکستن سفالینه (رسم شکستن سفالینه‌ها به داستان نبرد تشر و اپوش و همچنین جنگ با افراسیاب بازمی‌گردد. (رجبی، ۱۳۷۵: ۹۰ و ۸۹)) خبری نیست.

جشن تیرگان در مناطق شرقی و مرکزی مازندران بسیار مفصل اجرا می‌شود. تمیز کردن منازل، آب‌تنی صبح روز جشن، پوشیدن لباس نو و رسم آب‌پاشان و رسم شکستن سفالینه‌ها و فال زدن با آن از کارهای آغازین جشن است. برای جشن خوراکی‌های بسیار و ویژه‌ای چون سمنو، حلوی کاجی، شیرینی «پتی بزه نون»، نان کماج و... از آرد گندم و برنج تهیه می‌شود. در مهمانی این جشن گردو، سنجد و میوه و چای نیز خورده می‌شود. از مرغی محلی نیز برای جشن غذا درست می‌کنند. در هنگام غروب جوانان و کودکان با در دست گرفتن ترکه‌ای بلند و کیسه‌ای متصل به آن به در خانه‌ها رفته و با سرو صدا و کوبیدن درب منازل و شعرخوانی و لال بازی از صاحب خانه هدیه‌هایی چون پول، میوه و شیرینی دریافت می‌کنند. بخش دیگری از مراسم حضور لال و شگون چوب خوردن از اوست. لال صورت خود را با زغال سیاه کرده و با بستن دستمالی بر صورت و لباسی مبدل در سکوت وارد خانه‌ها می‌شود و با ترکه‌هایی که از چوب درختان، مخصوصاً درخت توت یا بید تهیه کرده است بر ساکنان منازل بخصوص زنان نازا، دختران دم‌بخت و افراد بیمار و همچنین حیوانات نازا و درختان بی‌ثمر ضربه می‌زند. در پایان جشن نیز هدایا و مبالغی که جمع شده به لال و دیگر افراد مجری جشن داده می‌شود. مراسم فال کوزه تنها در معدودی از مناطق غربی استان اجرا می‌شود. همچنین رسم فال گوش ایستادن نیز در مناطق شرقی مازندران مرسوم نیست.

جشن اساطیری تیرگان در فرهنگ محلی مردم کنالم ❖ ۱۱۳

به نظر می‌رسد بجز عدم اطلاع کتالمیان از بنیان‌های اساطیری مراسم یاد شده، نوع زندگی و معاش آنان نیز در این امر دخیل است. اهالی روستاهای کنالم از دیرباز اکثراً دامدار بوده‌اند و منطقه زندگی آنان از نواحی پرباران شمال کشور و غرب مازندران محسوب می‌شود؛ از این رو، نسبت به کشاورزان و مردم نواحی مرکزی و شرقی این استان، بسیار کمتر نگران کمبود آب و خشکی زمین زراعی هستند. استفاده از ظروف مسی که کاربرد فراوانی در میان اقوام دامدار دارد و کمی کاربرد ظروف سفالی تا جایی که در جشن نیز از ظرف مسی استفاده می‌نمایند نیز به نوع معیشت و همچنین زندگی ساده آنان اشاره دارد.

از دیگر تفاوت‌ها، اقدام اهالی کنالم به خواندن اشعار محلی، بخصوص اشعار امیری است که در خاطر دارند. اکثر افراد بویژه کهنسالان روستا به این امر پایبندند و تنها بعضی جوان‌ترها که از سواد بیشتری برخوردارند، گاه به خواندن اشعار حافظ می‌پردازند. این در حالی است که در مناطق دیگر مازندران به گرفتن فال حافظ بسنده می‌شود و استفاده از فال با ظرف آب رایج نیست. این امر توجه بیشتر کتالمیان به سنت‌های برجای مانده از قدیم در منطقه و غلبه فرهنگ عامه در میان آنان را می‌رساند. اما از شباهت‌های برگزاری جشن تیرگان بین روستاهای کنالم و سایر نقاط استان، مراسم «لال شوش» است با تفاوت‌هایی در اجرای آن. این مراسم چنان که آورده شد، در کنالم با آرامش و هیجان کمتر و البته با باور عمیق‌تری همراه است. داستان محلی آرش و تیر نشان او بر درخت گردو نیز در میان اهالی کنالم از اهمیت خاصی برخوردار است. دو روزه بودن جشن در کنالم می‌تواند تأییدی بر این اهمیت باشد؛ بویژه این که ابوریحان بیرونی و گردیزی جشن تیرگان را جشنی دو روزه دانسته، سیزدهم تیر را تیرگان کوچک، روز پرتاب تیر توسط آرش و روز چهاردهم را که تیر بر زمین فرود آمده و به درخت گردویی اصابت کرده، تیرگان بزرگ معرفی کرده‌اند. نکته جالب‌تر آن که تیرگان کوچک را «تیر روز» و تیرگان بزرگ را «گوش روز» نامیده‌اند. (رجبی، ۱۳۷۵: ۸۴) در روستای کنالم نیز مراسم لال شوش، روز سیزدهم و مراسم فال گوش ایستادن، روز چهاردهم اجرا می‌شود. این مسئله نشان می‌دهد که باورهای عامیانه و روایت‌های محلی که سینه به سینه و شفاهی از حماسه‌ای ملی به امروز رسیده، بیش از

۱۱۴ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

بن‌مایه اساطیری - باستانی جشن تیرگان یعنی ستایش از ایزد باران، در یاد اهالی باقی مانده است.

شباهت‌هایی نیز میان فال ظرف روستاهای کتالم با فال کوزه‌ای که در کرمان و یزد انجام می‌گیرد، دیده می‌شود که البته در کیفیت و کمیت اجرا تفاوت‌های بسیار دارند (روح‌الامینی، ۱۳۷۶: ۱۱۵ و ۱۱۴) اما پژوهش محمود پاینده لنگرودی (پاینده لنگرودی، ۱۳۷۱) نشان می‌دهد که جشن تیرگان در میان مردم کتالم بخصوص در فال با ظرف مسی و فال گوش‌ی با ماشه، به جشن تیرگان در میان کوه‌نشینان شرق گیلان بسیار شبیه و تقریباً یکسان است. این شباهت معنادار حکایت از نزدیکی فرهنگی دو منطقه و تأثیرپذیری روستاهای کتالم از فرهنگ بلندی‌های شرق گیلان به نسبت شرق مازندران به لحاظ بعد مسافت و مکان دارد. در این میان نکته حایز اهمیت زنده ماندن این جشن باستانی - ملی و باز تولید آن در قالب جشن‌های محلی، بیشتر در دو استان شمالی کشور و توجه ناخودآگاه مردمان این دو ناحیه به باورهای اساطیری ایران باستان است.

جمع‌بندی

جشن‌های باستانی با تبدیل شدن به جشن‌های محلی با حفظ مشترکات بنیادی و انتقال بن‌مایه‌های اسطوره‌ای خود به ادوار بعد، در صور متنوع خود، عناصری از زندگی مردمان و خرده فرهنگ‌های آنان را بازمی‌نمایند. جشن تیرگان از جشن‌های کهنی به‌شمار می‌آید که با تبدیل شدن به جشن محلی امکان حیات یافته است. جشن تیرمه سیزه شو از جمله صور محلی جشن اساطیری - ملی تیرگان است که در دو استان گیلان و مازندران برگزار می‌شود. کتالم مازندران به عنوان نقطه تلاقی دو استان، از فرهنگ هر دو ناحیه بهره برده؛ لیکن به جهت نزدیکی مسافت و فرهنگ، مراسم جشن تیرگان در آن شباهت بیشتری با اجرای این جشن در شرق گیلان دارد. مقاله حاضر نشان می‌دهد که غلبه فرهنگ عامه و روایت‌های محلی بر بنیادهای اساطیری جشن تیرگان، بر فلسفه وجودی این جشن تأثیر داشته و نوع زندگی دامداری و معیشت ساده و ملتزم به سنت‌های پیشینیان اهالی کتالم، در شیوه اجرای جشن مشهود است. بدین

جشن اساطیری تیرگان در فرهنگ محلی مردم کنالم ❖ ۱۱۵

ترتیب، بازتولید محلی و حیات این جشن، گذشته از به تصویر کشیدن خرده فرهنگ‌های موجود در یک منطقه، حاکی از این حقیقت است که مردمان در اشکال عملی استفاده ناخودآگاه از اساطیر، آنها را هر چه بیشتر با نوع و شرایط زندگی و ضروریات حیات فرهنگی - اجتماعی و زیستی خود منطبق می‌نمایند.

منابع

- اسماعیل پور، ابوالقاسم (۱۳۸۱). «جشن تیرگان و اسطوره تشر». نامه انسان‌شناسی. ش ۱.
- اشرف‌زاده، رضا و توکلی‌نژاد، فاطمه (۱۳۸۹). «جشن تیرگان». مجله ادبیات فارسی دانشگاه آزاد مشهد. س ۷، ش ۲۷.
- بیرونی، ابوریحان (۱۳۵۷). التفهیم. به تصحیح جلال‌الدین همایی. تهران: انجمن آثار ملی. ----- (۱۳۶۳). آثار الباقیه. ترجمه اکبر دانا سرشت. تهران: امیرکبیر.
- پاینده لنگرودی، محمود (۱۳۷۱). «آبریزگان و آخرین جشن آب‌پاشان در گیلان و دیلمستان». ماهنامه گیلوا. س ۱، ش ۱.
- رجبی، پرویز (۱۳۷۵). جشن‌های ایرانی. تهران: فرزین.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۷۶). آیین‌ها و جشن‌های کهن در ایران امروز. تهران: آگه.
- گردیزی، ضحاک بن محمود (۱۳۶۳). زین‌الخبار. ترجمه عبدالحی حبیبی. تهران: دنیای کتاب.
- هینلز، جان (۱۳۸۲). شناخت اساطیر ایران. ترجمه احمد تفضلی و ژاله آموزگار. چ ۸، تهران: چشمه.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی